

~~50~~ 50

78



Divān-ı Bîdîl

Бидиш Дивана (нарсча)

L  
78

50-78



بمعون صنایع مکتب کمال و فضل اخلاق و دین

چون این کتاب استطالب میرزا عبدالقادر



بهستم ملا اکمل خان ابن ملا اسلام خان

مطبع سعید کردید

Дружеская типография в Петербурге № 100

Типограф. В. М. Давыдов

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

باج کبریا که به لوی جز است اینجا  
 ادبگاه محبت ناز سفر بنمید اه  
 میا محفل ناز شعر خیرت اعجاز  
 مقدم لطف باش خواب نازنا کس  
 بسعیر غیر مشکل بود ز آفتاب و پرتو  
 خوشایرم وفا که خجالت اظفار زویری  
 ز طراش شرع شاق سیرت سواد  
 ز بس فیض شعر می جوشد از که سواد

سر موی که اینجا خم شو شکر کلاه اینجا  
 چونم سر مهر اشک میسالد کجا  
 تبسم تا کجا ها حیده باشد و کجا  
 بهم می آورد چشم تو مژگان کجا  
 سر را جیب خف دزدیم بر دم اینجا  
 شر در سنگ داه پرفشانها را  
 شاکت کس آرزو از زیر کجا  
 همه که شب شعر رود نمیکرد اینجا

بگفانم سوگرودی نداه یو مطلب  
خیال جلوه زاریست هم ملاده  
مهر از کفر طاعت بیست اعجاز می آوازی

مگر در خه فرو رفتن کند ایجا دجا پنجا  
ز نقش ما بر سر باید کشید که گاه پنجا  
بناک آمد مگر انجام که غم خواجه

زمین کرم یا هنوز صرید عایدیل  
در اندام دیکه منزل نیز مراقتد بر ایجا

گرمی تو خوش دید کرد بنو ساه ما  
فیضها میچو شد از خاک بهار پنجر  
در تماشایت کبک شمع جلوه میفر  
محو کردید علاج اضطراب دل کج  
از شهادت نطقا لازما طهریم  
دور جاز پنجمین چون کفر نصیبانند  
سوخش پیر نادیر مخفای علاج نطقا  
مطلب از نظم برده دور کسیت  
هست موهوم غیر از نفر و اثباتی ندان  
چشم ما بر هم زخم اشک بخور عاقلید

ما سحر کشتن گریبان میزد عریان ما  
صبح میریزد گل خورشید در آن ما  
دیدم مایه قدم تیرت شرکان ما  
از تحیر سر بر یک موع نشد طوفان ما  
زخمها دادماند چشم در میدان ما  
زنگ تا گرداند آخر میشود ولان ما  
دیدم یعقوب یا با بگفتان ما  
شعله سپهر شد جهان ز ما که غایب  
رفتن ما کج سپید کج از دمان ما  
بسم ایجا دست هم جنبش شرکان ما